

نویسید

(فوق العاده)

(وابسته به حزب سوده ایران)

سال سوم، شماره ۲۳، دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۳۷

تظاهرات صدها هزار نفر در سراسر کشور علیه رژیم استبدادی شاه

شور و هیجانی که در تظاهرات مردم در بیش از ۲۰ شهر مختلف، در چهار گوشه کشور و در محلی استبداد

مقتاس و شلاق و در قفس و کوره های الکتریکی شکرگاه نصرتوند با خلق سخن بگوید. چنین است که عید مردم را به عزای بدن کرده، صدها زندانی سیاسی را که از ۲۴ روز پیش در اسارتگاهها و بینه های او، خاطر برخورداری از حداقل حقوق انسانی - دست به اعتصاب غذا زدند، تا یک قدمی مرگ پیش رانده صدها مادر و خواهر و هجر زندانیان سیاسی را در خیابانهای تهران به قندان تشنه ضربات باطوم و چماق سپرده، عزاران کرکوکشاورز و دانشجو و استاد و معلم و محصل و کاسب و پیشور و روشنفکر و هنرمند را به جرم مبین پرستی و آزاد بخوایی به زندانها انداخته عددا دانشجو را که خواستمان برجیدن کابوس سرنیزه و گارد عنفند و باطوم از کلاسهای درس است، به معاکه کشانده، نسا حق خواهان دهها هزار کارگر را ملی یکی دو ماه گذشته بمضاک و خون کشیده، با با بیورش گرازهای وحشی و تحصیل کرستیکی و بیس کاری و شقت و پیگرد پاسخ داده، مسند یگاها و اتحادیه ها و - کانونها و جمعیتها و احزاب را از فعالیتها و حقوق صنفی و

سیاسی محروم کرده، بهشتک نکستی حزب واحد ساواکی را بر روی صیبن انداخته و هر حرکت مترقی و هر خواست اصولی و هر صدای معترض و هر اندیشه روشنگر و هر نیت و هدف خلقی و صیبن پرستانه را با سرکوب و بیورن و بهمان و تفاوت درهم شکسته یا میخواهد درهم بشکند.

تظاهرات دریاوار روزها با اخیر ثابت کرد که این شیوه های آمریضی دیگر کاری نیست. چنین عمو ص خلق علیترم توطئه های زنگارنگ - ساواکی و هجوم و خشونت گرازهای شاه و وسعت گرفتن روزافزون کورستان شهیدای آزادی در حال خیز و تلاطم و پیشرفت است.

خبرنگاران نوید در گزارشهای خود شدت و نیروی انفجاری تظاهرات روزهای گذشته را این سابقه، هاشکوه و مقاومت ناپذیر توصیف کرده اند آنها تصریح کردند که این سیل و خروش مردمی اینبار فاشتر از همیشه دربار و شاه را در شعارهای پر شور و آتشین در نور دیده و با مشت های کره کرده تهدید کرد.

در اصفهان تظاهرات خیابانی چند روز پیاپی ادامه یافت. در روز ۹ فروردین - اهر رژیم مظفر و نظیر شهرهای ۳۰ و واتومویل های پایس مورد حمله قرار گرفت. تظاهرات روز ۲ فروردین اصفهان بیشتر سیطای کارگری داشت.

امواج خروشان تظاهرات خلقی و توفانهای اعتراضی سراسر کشور را فرا گرفته است. در کاخ استبداد زلزله افتاده. صدها هزار نفر طی چند ریز گذشته در بین از ۳۰ شهر کوچک و بزرگ به حرکت درآمدند تا از برای فاصله ها، فریاد ای رسواکننده خود را بهم بیامیزند و انگشتان انبوه خویش را در هم کره بزنند و بر رژیم غارتگر و از رت و ریشه فاسدی که سد هرتحول و پیشرفت و راهزن آزادی است، بتازند. در این جنبش وسیع اعتراضی، بنا به اعتراف خود رژیم تاکنون دهها نفر کشته و مجروح و صدها نفر دستگیر شده اند. اگر سایه خصوصیت رژیم شاه باواک را با حقیقت پرستی و انس و الفت دیرینه آن را با دروغ و تبلیغ و ریا در نظر بگیریم بی شک ابعاد فاجعه و آثار تلفات و صدمات از این حد بسیار فراتر می رود. اما حتی همین ارتام کد با همیز دانش فزاینده و اوج و عظمت طغیان مردم و نفرت عمیق و ریشهای آنها را از دار دسته میزغاب ها، زندانبانان و تاجدار عقرب صفی که به زندان امری و نوچی امپریالیسم مباحات میکند، نشان میدهد.

چهل روز پس از کشتار دهها آزاد بخواد در قم رژیم داغ لعنت خیرد شاه صدها زن و مرد کودک و پیر و جوان را در شهر قهرمان تیر یز به خاک و خون کشاند و چهل روز پس از قتل عام بی شرمانه تیر یز به بالکوله و سرنیزه و تازاشک آور به ندای آزاد بخوانان مردم به ستوه آمده سی شهر پاسخ گفت. با این چابکی و وقاحت در خدایتزی، تعداد قربانیان و ابعاد فاجعه استبداد فردا جقدر خواهد بود؟

دیکتاتور اصال با گلوله و مرک و خون به خلقهای ما عیدی ناهانان داد. او یکبار دیگر به روشنی نشان داد که بین او و خلقهای ما دریائی از خون فاصله است که هر روز ظرف تو و بهنار تر میشود. کشتی بادبان شکسته این فرزند زنا امپریالیسم و ارتجاع اینک بر این دریای گلگون که چشمه ها و نهرهای خون آزاد، و صیبن در آن میریزد، سرگردان است و ضحاک عقل باخته دوران، در توفان پر موج و نیروی خشم و قیام خلق که هر دم توانا تر و سرکنتر میشود، با بربریت پر حقارت و ترس و بدلی شناوت - آمیزی میخواهد راه بکشد. اما او جز با جیره های اعدام و

از سازمان های سیاسی و نیروهای مخالف رژیم در موقعیت کمونی به تنهایی قادر نیست این گرزک ها را تیر خورده را از پا در آورد . در حالیکه مبارز توده ای مرزنده چریک آزاد بخواد طی و مجاهدند همین همه زبیریک یک ضرباند در یک شکجه گاه صلاحی میشوند دریک بیداد گاه عقوبت میکنند دریک زندان می پوسند ، از یک سیاست و آئین آسیب می بینند ، از یک سر نیزه زخم بر می آورند ، از یک سر نوشت رنج می برند و در شرایط استبداد فاشیستی موجود - صائب و آلام همانند می دارند ، هر چیزی که از یگانگی صربشاه به مرز صبر و در نهایت آب به آسیاب دشمنان خلق میریزد .

فقدان یا کم توانی و محدودیت سازمانهای صنفی و سیاسی را تنها با اتحاد عمل و احتراز از زهریاشی تفرقه اندازان در هر لباس و سبک و عقیده و پایگاه اجتماعی میتوان پوشاند . امروز کلام -

جدایی از هر دهنی که برون آید ، تنفی است که برتن خلق می نشیند . دستبالی که دانسته یا ندانسته چنین تنفی را برداشته از دامن جنبش توده ها و عرصه مبارزهای که به آغاز آن پیش از پایان آن نزدیکیم ، باید دور کنیم . جنبش ارج گیر خلق نباید ماراخته و صحرانگه و نظریان را از خطر عظیمی که در وجود رژیم درنده و سرد و گرم چشیده ، شام ساواک در کمین است ، صحرانگه سازد . با ایمان قاطع به توانایی و حقانیت پیروزی خلق ، این خطر را در هر لحظه و هر حرکت باید در مد نظر داشته باشیم و برای مهار کردن آن در پیوندی هر چه فشرده تر ، از بیراهه رفتن ها از شتاب زدگی ها و غرضدن به خویش ، هیچ روی های ویرانگری درون خرابکاری و ماجراجویی هایی که انرژی انقلابی توده ها را در هجوم های عیب و بیفایده به هدف های فرعی تر به هدر میدهد ، از آماج قرار دادن مظاهر کم رنگ و اهداف پراکنده و نامشخص به جای بنیاد های اساسی رژیم و مظاهر واقعی آن ، پرهیز کنیم .

بهم خوردن موازنه قوا در جامعه ما به نفع نیروهای دموکراتیک و ملی و به زیان رژیم دیکتاتوری و مصلحت ترین شرایط عینی را

برای واداشتن در اوردسته دیکتاتوری به عقب نشینی های روز افزون قوی و قوت تا مرحله سرنگونی کامل آن فراهم آورده است . هوشیاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری و خواهان استقلال و آزادی و صرف نظر از عقیده و مرام و خواستگاه آنها ، در بهره گیری از این شرایط مساعد نقش قاطعی دارد .

حزب توده ایران که هواره و بدون تزلزل لزوم اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و میهن پرست و ضد استبداد را برای برانداختن استبداد فاشیستی ، محمد رضا شاه مورد تأکید قرار داده است ، از همه نیروهای شرقی و غربی دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به مبارزه واقعی آید ، بر مسائل درون جنبه ضد دیکتاتوری و همه صلح و ابتکار اتحاد خود را بکار برند و در این پیکار صریختی و پیگیری نشان دهند .

در آبادان مردم لوجه یابود رضاشاه قدر را که هنوز پرده برداری نشده بود ، مورد حمله قرار دادند و پرده های پیرامین آن را سوزانده در بابل صدها نقابدار شهر را با غریز " مرگ بر شاه " به لرزه در آوردند و یک طاق نصرت دولتی و لانه حزب شاه فرموده رستاخیز را در عم کوبیدند . در زنجان تمامی کسبه و مغازه دارها به عنوان اعتراض تعطیل کردند . در مشهد نمایندگان اعتراض مردم که وسعت و انبوهی تهدید کننده های دامت بارها با بیرون گزاهای شاه و پرتاب گاز اشک آور متفرق و دوباره تشکیل شد . در روز چهارم شهدای تبریز در مشهد مغازه ها تعطیل بودند .

در تهران علاوه بر نمایندگان اعتراضی خیابانی ، بیش از چهل هزار نفر در مراسم عزاداری بازار که در محاصره کامل افواج نظامی و سر نیزه داران و مسلسل بدست ها برگزار شد گرد آمدند . صحنه آذربایجانی ها قلب پر تنش این اجتماع اعتراض آمیز بود و سخنرانان خواستهای مردم را که خروش تأیید آمیز آنها همراه بود ، به بیان شرح خواندند : - بازگشت قانون اساسی ، آزادی زندانیان سیاسی ، بازگشت نهجید شدگان ، آزادی بیان و قلم و اجتماعات . . .

در کاشان هزاران کارگر کارخانه های ریسنده گی و بافندگی و مغل و بهرشم کاشان کارخانه ها را تعطیل کردند و به صفوف عظیم تظاهر کنندگان و اجتماعات معترضین پیوستند . حضور کارگران در حجم عظیم آن به خروش کاشان رنگ تند و حرکت پرشوری بخشید . تظاهر کنندگان که با شعار " ما شاه نمی خواهیم " در خیابانها حرکت میکردند مورد هجوم گراوه های صلح قرار گرفتند .

در قم با گاز اشک آور و هجوم به اجتماع مردم تاخند ، اما هر بار که جمعیت از هم می گسست ، در نقطه دیگری بهم جوش میخورد . در یزد تظاهر کنندگان با شمار مرگ بر شاه ، تابلوهای روزنامه های ساواک زده اطلاعات و کیهان و رستاخیز را خرد کردند . صبح روز دهم فروردین یزد کاملاً تعطیل بود . تظاهرات دیگر شهرها حرکت و رنگی نظیر این داشت . همه این نمایندگان و اجتماعات سیاسی مضمون یگانگی داشت که در گلپای سرخ شعارهای ضد دیکتاتوری ، شکست و عطر افشانی میکرد .

بلندگوهای روضی وار و روزنامه های گوسفندی رژیم با عجز و بلاهت کوشیدند تا با تحریف واقعات و سانسور پرده پرشی و عظمت این جنبش اعتراضی را انکار کنند و از نیروی توده ای افشاگر آن که زند ترین سند حکومت این رژیم ضد خلق و ضد دموکراتیک و ایران بر باد ده است ، بگانهند . اما توفان بزرگتر از آن است که در درونهای کثیف آنها حبس شود .

تظاهرات گسترده روزهای اخیر بانک رسائی بود که نیروی لایزال توده ها را در اتحاد و پیوند آنها به ظهور رساند . در شرایطی که رژیم سرروز منزوی تر و پوک تر میشود و آخرین قطره های قوه حیاتی خود را از دست میدهد ، تنها مدد و ضامن ما برای به زانو در آوردن آن همبستگی و اتحاد عمل ماست . هیچ یک

پیروز بادی مبارزه قهرمانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضاشاه